

هویت، بحران هویت و پدافند غیرعامل فرهنگی

اسداله بابایی فرد^۱، سمیرا آتش‌افروز^۲

چکیده

یکی از مهم‌ترین راهکارها جهت رویارویی با آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ناشی از رسانه‌ها و محصولات رسانه‌ای فرامرزی و بیگانه، فراهم کردن زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی مصرف محصولات رسانه‌ای است. به بیان دیگر، در این زمینه باید از وسایل و امکانات نرم برای جلوگیری از به وجود آمدن هویت‌های نامطلوب برای جامعه استفاده کرد. از آن جا که مردم جامعه‌ی ما، همچون بسیاری از جوامع در حال توسعه یا توسعه‌نیافته، از طریق رسانه‌هایی همچون تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت، از مصرف‌کنندگان محصولات رسانه‌ای فرامرزی و بیگانه هستند، لازم است مسئولان و دست‌اندرکاران نهادهای رسمی و غیررسمی زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی لازم را برای رویارویی با آسیب‌ها و بحران‌های هویتی و فرهنگی ناشی از محصولات فرهنگی متعارض با هویت و فرهنگ ایرانی و اسلامی جامعه‌ی ما فراهم کنند؛ اقداماتی که در ادبیات علوم انسانی و اجتماعی کنونی تحت عنوان پدافند غیرعامل فرهنگی از آن نام می‌برند. ما در این پژوهش برخی از مبانی نظری هویت و بحران هویت، به ویژه نظریات اریک اریکسون و دیدگاه‌های تالکوت پارسونز، و رابطه آن‌ها با موضوع پدافند غیرعامل را بیان کرده‌ایم. این گونه مباحث نظری می‌توانند مقدمه‌ای باشند برای انجام پژوهش‌های تجربی در حوزه‌ی پدافند غیرعامل فرهنگی. به‌عنوان راهکاری غیرنظامی جهت رویارویی با آسیب‌ها و بحران‌های هویتی و فرهنگی در این جامعه. بنابراین، همچنان که در دانش پزشکی گفته می‌شود پیشگیری بهتر از درمان است، ما نیز معتقدیم برای رویارویی با آسیب‌های فرهنگی باید پیش‌شرط‌ها و زمینه‌های فرهنگی لازم را فراهم کنیم و افراد جامعه، به ویژه نوجوانان و جوانان، را در برابر آسیب‌های فرهنگی گوناگون، به ویژه آسیب‌های فرهنگی ناشی از محصولات رسانه‌ای فرامرزی و بیگانه، مصونیت بخشیم. کلیدواژه‌ها: هویت، بحران هویت، جوانان، نوجوانان، رسانه‌های ارتباط جمعی، آسیب‌های فرهنگی، پدافند غیرعامل.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه کاشان.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی.

۱. بیان مسأله

امروزه پدافند غیرعامل به عنوان یکی از مؤثرترین و پایدارترین روش‌های دفاع در مقابل تهدیدات، همواره مدنظر اکثر کشورهای جهان قرار دارد و حتی کشورهای بر خوردار از توان نظامی بسیار بالا، مثل ایالات متحده آمریکا، به این موضوع به صورت ویژه‌ای توجه داشته‌اند (کیانژاد و فیروزپور، ۱۳۹۱: ۵). پدافند غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌گردد که مستلزم به‌کارگیری جنگ‌افزار و تسلیحات نیست و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارات مالی به تجهیزات و تأسیسات حیاتی، حساس و مهم نظامی و غیرنظامی و تلفات انسانی جلوگیری نمود و یا میزان خسارات و تلفات ناشی از حملات و بمباران‌های هوایی و موشکی دشمن را به حداقل ممکن کاهش داد (موحدی‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۱). به عبارت دیگر، پدافند غیرعامل عبارت است از مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب‌پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد. به این ترتیب، پدافند غیرعامل کارآمد، بایستی بتواند امکان ادامه‌ی حیات اجتماعی و تأمین نیازهای انسانی جمعیت و تسهیل اداره‌ی امور کشور را در مواقع بحران، به نحو مطلوب فراهم سازد. در تعریف دیگر، گفته شده است: پدافند غیرعامل هر اقدام غیرمسلحانه‌ای است که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تأسیسات، تجهیزات، اسناد و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن گردد. در حقیقت طرح‌های پدافند غیرعامل به نوعی مقابله با بحران قبل از رسیدن زمان آن است (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶) و مجموعه اقداماتی است که با انجام آن‌ها و بدون استفاده از سلاح و درگیری با دشمن می‌توان پایداری را افزایش و ضایعات و خسارات را تا حد زیادی کاهش و در مواردی حتی به صفر رساند (نیازی تبار، ۱۳۸۷: ۱۵). اهمیت حیاتی پدافند غیرعامل در مواردی همچون نمونه‌های زیر است: ۱. دفاع غیرعامل موجب حفظ روحیه، وحدت ملی و حفظ سرمایه‌های ملی کشور می‌شود؛ ۲. دفاع غیرعامل موجب حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور می‌شود (نباتی، ۱۳۸۶: ۱۶). به طور کلی، پدافند غیرعامل شامل نه اصل کلی می‌شود که عبارتند از: ۱. استتار؛ ۲. مکان‌یابی؛ ۳. اختفاء؛ ۴. اعلام خبر؛ ۵. پوشش؛ ۶. فریب؛ ۷. پراکندگی؛ ۸. تفرقه و جابجایی؛ ۹. مقاومت‌سازی و استحکامات.

واژه‌ی پدافند از دو قسمت تشکیل شده است: ۱. پد: یاد یا پد در زبان فارسی پیشوندی است که به معنی ضد و متضاد و دنبال به کار می‌رود؛ ۲. آفند: دارای مفهوم جنگ و جدال و پیکار است (دهخدا، ۱۳۵۱: ۴۷). در نتیجه، پدافند به معنای ضدجنگ است. اما اصطلاحاً پدافند عبارت است از، هرگونه عملی که با استفاده از وسایل و امکانات موجود به منظور جلوگیری و مقاومت در مقابل پیشروی دشمن و انهدام نیروهای دشمن انجام می‌شود (کامران، ۱۳۹۰: ۱۱۳). در کتاب فرهنگ واژه‌های نظامی پدافند غیرعامل این‌گونه تعریف شده است: در استفاده از پوشش، اختفاء، استتار، فریب و واپایش حرکات در روشنایی (رستمی، ۱۳۸۷: ۲۰۷).

علاوه بر مفهوم پدافند، باید مفهوم هویت نیز به روشنی تعریف شود تا معنای دقیق آن روشن گردد. مفهوم هویت مفهومی کاملاً پیچیده است که نمی‌توان به شکل درستی معنای آن را درک کرد، به همین دلیل از یک نسبیّت خاصی برخوردار است. در پاسخ به پرسش چستی هویت یا ارائه‌ی تعریف مشخصی از آن از منظرهای مختلف، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. می‌توان هویت را آگاهی فرد نسبت به خود دانست که در نتیجه‌ی تداوم کنش‌های فرد به او واگذار نمی‌شود، بلکه فرد باید آن را به طور مداوم و پیوسته در زندگی روزمره ایجاد کند و نیز در فعالیت‌های خویش مورد پشتیبانی قراردهد (گیدنز، ۱۳۷۸ الف: ۸۱). مفهوم هویت از مباحث سهل و ممتنع در عرصه‌ی علوم اجتماعی و سیاسی است. سهل است به این معنا که برای همگان محسوس و معلوم می‌نماید، ممتنع است، زیرا که به تعبیر اریکسون^۱ هرچه بیشتر در این زمینه مطلب نوشته می‌شود نامفهوم و دشوارتر می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

اساساً یکی از عواملی که به هویت انسان‌ها شکل می‌دهد، گذشته و تاریخ آن‌هاست. هویت مقوله‌ای نیست که به طور آنی و در لحظه‌ی گذر از زمان به وجود آید. با این حال، گذشته و تاریخ نیز قادر نیستند که یک هوش ثابت و یکپارچه برای انسان پدید آورند. در این زمینه استوارت هال می‌گوید: «تاریخ فضای کاملاً باز و شناور نیست، چرا که در سازمان قدرت‌مند و جانبدارانه‌ی گذشته‌خانه کرده است. ردپاهای گذشته بر ما نقش بسته است و ما حاملان پیوندهای گذشته‌ایم. ما نمی‌توانیم این نوع سیاست فرهنگی را هدایت کنیم مگر آن‌که به گذشته بازگردیم. اما این بازگشت به هیچ وجه بازگشتی کامل و موبه‌مو نخواهد بود. گذشته در پشت سر منتظر ما نمانده تا هویت‌های‌مان را از نو بسازیم و خسارت‌ها را جبران کنیم. گذشته باید از نو روایت‌پردازی شود. ما به گذشته می‌رویم، از طریق تاریخ، از طریق خاطره، از طریق میل و از همین رو، گذشته واقعی نیست» (هال، ۱۳۸۳: ۳۳۸).

اریکسون در تعریف هویت می‌گوید: «هویت یک احساس نسبتاً پایدار از یگانگی خود است»، بر اساس دیدگاه اریکسون، «علی‌رغم تغییر رفتارها، افکار و احساسات، برداشت یک فرد از خود همواره مشابه است. علاوه بر این، او می‌گوید این احساس که ما چه کسی هستیم باید با نگرشی که دیگران نسبت به ما دارند نسبتاً همخوان باشد» (بیابانگرد، ۱۳۷۹: ۱۲۳). همچنین گفته شده است که: «هویت نه یک محصول پیشینی است و نه محصول کامل شده، این مفهوم در بیش‌تر موارد صرفاً عبارت است از فرایند دشوار (پرابلماتیک) دسترسی به تصویری از کلیت» (بابایی‌فرد و ساروخانی، ۱۳۹۱: ۴۴).

امروزه صاحب‌نظران در تعریف هویت بر اکتسابی بودن آن تأکید دارند. آن‌ها نگرش ذات‌گرایانه به هویت و تلقی آن به عنوان مقوله‌ای انتزاعی، نامتغیر، ایستا و ابدی را کنار گذاشته‌اند و غالباً بر عینی بودن، سیاست و پویایی آن تأکید دارد (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۵). از این رو، آن‌ها در بررسی آسیب‌ها و بحران‌های

1. Erik Erikson

هویتی و فرهنگی، به عنوان پدیده‌ای بین‌المللی یا جهانی، چنین دیدگاهی را به عنوان یک پیش‌فرض مهم مد نظر دارند (وو^۱، ۲۰۰۱: ۱). کاراسکو^۲، ۱۹۹۴: ۱؛ کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۴). صاحب‌نظران جدیدتر، همچون صاحب‌نظران مطالعات فرهنگی^۳ و متفکران جدید جامعه‌شناسی، نیز رویکردهای نوینی درباره‌ی هویت و فرهنگ و تعریف فرهنگ دارند. آن‌ها، ضمن نقد رویکردهای پیشین درباره‌ی هویت و فرهنگ، بر استقلال، نسبی بودن و متحول بودن فرهنگ تأکید دارند و آن را یک متغیر وابسته در تغییرات و تحولات اجتماعی به شمار نمی‌آورند (اسکات^۴، ۲۰۰۶: ۵۰-۴۶؛ شارع‌پور، ۱۳۸۷: ۹۶-۲۸؛ اسمیت، ۱۳۸۳: ۹۳؛ نگوس، ۲۰۰۷: ۲۰۸-۱۹۷).

به نظر برخی از صاحب‌نظران و متفکران امروزی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی عصر جدید، که دامن‌گیر بسیاری از جوامع، چه مدرن و چه سنتی، چه توسعه‌یافته و چه توسعه‌نیافته، است بحران هویت^۵ است. بحران هویت اصطلاحی است که از ادبیات روان‌شناختی وارد ادبیات جامعه‌شناختی شده است. برای اولین بار اریکسون این اصطلاح را برای توصیف وضعیت افرادی استفاده کرد که در تشخیص جایگاه خود در محیط پیرامونی، گروه و اجتماع خود دچار مشکل و تعارض شده بودند. به ویژه، از دیدگاه اریکسون بحران هویت غالباً در وضعیتی پدیدار می‌شود که فرد در تشخیص ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، و به بیان درست‌تر، در تشخیص خوب و بد، زشت و زیبا، درست و نادرست، دچار تعارض‌های بنیادی باشد. هرچند اریکسون بحران هویت را در معنای روان‌شناختی به کار می‌برد، اما غالباً تمایل دارد این پدیده را در یک زمینه یا بستر اجتماعی مورد بررسی قرار دهد، به همین دلیل معتقد است بحران هویت، در عین حال که پدیده و حالتی روانی و روان‌شناختی است، اما عمیقاً متأثر از جامعه و زمینه‌های اجتماعی است.

اساساً بحران هویت می‌تواند با تضعیف هویت همراه باشد و تضعیف هویت نیز می‌تواند پیامدهای منفی و مخرب برای جامعه به بار آورد؛ چنین پدیده‌ای می‌تواند باعث سستی انسجام فرهنگی جوامع شده و روند توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جوامع را با اختلال مواجه کند. امروزه ملت‌هایی که توان یافتن راهبردی در جهت استحکام انسجام فرهنگی، اجتماعی، سیاسی خود را نداشته‌اند به بن‌بست‌های فکری و فرهنگی رسیده‌اند. از این‌جاست که انسان امروزی، به ویژه در جوامع در حال توسعه، دچار سرگردانی و درماندگی ناشی از بی‌هویتی، و به بیان بهتر، بحران هویت، شده است، چرا که پایگاهی که مبتنی بر فرهنگ و تمدن اصیل گذشته‌ی خود باشد، ندارد، یا آن را از دست داده است. پس مسأله‌ی هویت به عنوان یک پدیده‌ی پیچیده‌ی اجتماعی در رابطه با پدیده‌های مختلف اجتماعی - فرهنگی، تافته‌ای به هم بافته است؛ و به وجود آمدن بحران در آن اشاعه‌دهنده‌ی بسیاری از معضلات در سراسر پیکر جامعه است. اساساً رسانه‌های

1. Wu
2. Carrasco
3. Cultural Studies
4. John Scott
1. Identity Crisis

ارتباطی نوین، به ویژه محصولات فرهنگی متعارض با هویت و فرهنگ ایرانی و اسلامی ما، می‌توانند شالوده‌های چند هزار ساله‌ی تمدنی چون ایران را با بحران مواجه کنند. از این رو، ضرورت دارد مسائل و بحران‌های هویتی و فرهنگی کنونی را با بهره‌گیری از رویکرد پدافند غیرعامل فرهنگی مورد بررسی و پژوهش قرار دهیم.

۲. اهمیت و ضرورت پژوهش

پدیده‌ی هویت و هویت‌یابی از مسائل اساسی هر جامعه‌ای است و جوامع مختلف از ابزارهای متفاوت و متنوعی برای روبه‌رو شدن با این پدیده استفاده می‌کنند. ریچارد جنکینز بر متحول بودن هویت تأکید دارد و معتقد است هویت عنصری انعطاف‌پذیر یا بازتابی است که با توجه به شرایط اجتماعی دگرگون می‌شود. وی هویت اجتماعی را ابزار تمایز انسان‌ها و جوامع از همدیگر می‌داند و معتقد است بدون هویت اجتماعی اساساً جامعه‌ای در کار نیست (جنکینز، ۱۳۸۱: ۶). به طور کلی، در ادبیات جامعه‌شناختی هویت پدیده‌ای اکتسابی است و نه انتسابی، ذاتی یا ازلی. به بیان دیگر، جامعه‌شناسان معتقدند هویت انسانی در بستر اجتماع شکل می‌گیرد و از آن جا که جوامع گوناگون دارای بسترهای اجتماعی مختلف هستند، از این رو، هویت‌های اجتماعی جوامع نیز متفاوت هستند.

هرچند نمی‌توان چنین اصل جامعه‌شناختی را انکار کرد، و مسلماً هویت دارای ویژگی پویایی، سیالیت و تغییرپذیری است، اما تغییرپذیری افراطی، غیر طبیعی و ناگهانی هویت، به ویژه در وضعیتی که با عناصر هویتی بیگانه و متعارض تقابل پیدا کند، نوعی آسیب هویتی است. از این رو، ضمن آن که هر جامعه‌ای باید زمینه‌های تکوین آزادانه و آگاهانه‌ی هویت‌های فردی و اجتماعی را فراهم کند، متقابلاً باید زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی رویارویی با هویت‌ها و فرهنگ‌های معارض و مهاجم را فراهم کرده و بسترهای لازم را برای تکوین هویت‌های مستحکم فراهم کند. مسلماً در صورت تضعیف هویت افراد یک جامعه، یا بروز چالش‌ها و بحران‌های هویتی و فرهنگی، بنیان‌های جامعه نیز تضعیف می‌شوند؛ اصولاً می‌توان گفت چالش‌ها و بحران‌های هویتی و فرهنگی می‌توانند موانعی جدی بر سر راه پیشرفت و توسعه‌ی جامعه باشند. یکی از عناوینی که برای چالش‌های هویتی و فرهنگی به کار رفته است عنوان بحران هویت است. اساساً گفته می‌شود بحران هویت پدیده‌ای جهانی است که به ویژه در عصر جدید در بسیاری از جوامع انسانی ظهور کرده است. چنین پدیده‌ای می‌تواند نظم و همبستگی اجتماعی را به خطر انداخته و حتی سبب فروپاشی اجتماعی شود. از سوی دیگر، چنین پدیده‌ای می‌تواند سد راه پیشرفت و توسعه‌ی جامعه شود. بنا به چنین دلایلی، بررسی جامعه‌شناختی آن دارای ضرورت و اهمیت است (بابایی‌فرد، ۱۳۹۲: ۹).

از این رو، توجه به این قضیه که هویت افراد چگونه هست و چگونه شکل می‌گیرد، و این که چه موانعی بر سر راه تکوین و استحکام هویت افراد جامعه وجود دارند، از مسائل اساسی و قابل بررسی و

پژوهش است. از سوی دیگر، توجه به مقوله‌ی پدافند غیرعامل در حوزه‌ی موضوعات و مسائل فرهنگی، که مستلزم استفاده از وسایل و امکانات موجود به منظور ایمن‌سازی فرهنگی جامعه و مقاومت در مقابل پیشروی فرهنگ‌های بیگانه و مهاجم است، یک استراتژی مهم و ضروری برای مقابله با چالش‌ها و بحران‌های هویتی و فرهنگی است. بنا به چنین دلایلی، بررسی رابطه‌ی بین هویت اجتماعی و فرهنگی و پدافند غیرعامل فرهنگی یک ضرورت علمی انکارناپذیر است.

۳. پیشینه‌ی تجربی پژوهش

مهدی مدیری در مقاله‌ی خود با عنوان شاخص‌های امنیت‌ساز پدافند غیرعامل در آمایش سرزمین با انجام مصاحبه با نخبگان، بدین نتیجه می‌رسد که مؤلفه‌های مکان‌یابی مناسب، مقاوم‌سازی و استفاده از تجربیات سایر کشورها از جمله مهم‌ترین شاخص‌های امنیت‌ساز پدافند غیرعامل در آمایش سرزمین هستند (مدیری، ۱۳۹۲). رجبعلی شیخزاده و همکاران در بررسی خود تحت عنوان جنگ نرم و جایگاه پدافند غیرعامل در آمایش استان مرزی سیستان و بلوچستان توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی را در ارتباط مستقیم با عدم تعادل بین مناطق مرزی و مرکزی یک کشور می‌دانند. همچنین، معتقدند با گسترش ناامنی و توسعه‌نیافتگی در مناطق مرزی، نتایج نامطلوب آن به طور مستقیم و بلافاصله به کل کشور منتقل می‌گردد (شیخزاده و همکاران، ۱۳۹۱). نباتی در کتاب اصول و مبانی پدافند غیرعامل، بعد از ارزیابی تاریخچه‌ی دفاع غیرعامل در ایران، به راهبردهای دفاع شهری در سایر کشورها و کاربرد آن در برنامه‌ریزی کلان‌شهرهای ایران اشاره کرده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که به‌کارگیری اصول پدافند غیرعامل در طرح‌های شهری قبل از وقوع بحران می‌تواند در کاهش آسیب‌های ناشی از بحران بسیار کارساز باشد (نباتی، ۱۳۸۶). حسن کامران و همکاران در مقاله‌ی خود با عنوان ساماندهی فضای نواحی مرزی همجوار مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیرعامل معتقدند که کارکردهای مؤثری برای بهره‌برداری از منابع این منطقه‌ی جغرافیایی صورت نگرفته است. همچنین ایجاد توسعه در روابط اقتصادی و تجاری مناطق مرزی و کاهش فقر را مهم‌ترین عواملی برمی‌شمارند که از طریق پدافند غیرعامل قابل حصول هستند (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶).

۴. مبانی نظری پژوهش

بحران هویت برای اولین بار به طور مدون در حوزه‌ی روان‌شناسی از سوی روان‌شناسانی مانند اریک اریکسون مطرح شد. اریکسون بحران هویت را به ویژه در سنین نوجوانی دارای اهمیت می‌داند. در این سنین، به نظر وی، انسان‌ها در برابر ارزش‌ها و هنجارهای گوناگون قرار می‌گیرند. در شرایطی که انسان در این سنین با مشکل انتخاب مواجه می‌شود بحران هویت رخ می‌دهد. اریکسون هویت فردی را بر اساس قضیه‌ی آگاهی و عدم آگاهی تبیین می‌کند. وی آن را فرایندی روان‌شناختی می‌داند که در فرایندهای اجتماعی انعکاس می‌یابد. بحران هویت، بر اساس نظر اریکسون، در سنین بلوغ رخ می‌دهد، با وجود این، این پدیده از

سنین بلوغ آغاز شده و در سال‌های بعدی تداوم می‌یابد. هرچند اریکسون بر ثبات‌مندی برخی عناصر هویت تأکید دارد، اما معتقد است در گذر زمان هویت دچار دگرگونی نیز می‌شود. از جمله‌ی این دگرگونی‌ها بروز بحران هویت در سنین بلوغ است. وی این پدیده را آشفتنگی هویت می‌نامد و معتقد است در چنین حالتی انسان قادر به انتخاب درست پدیده‌ها نیست، به ویژه آن که نمی‌تواند از عهده‌ی مسئولیت‌هایی که به عهده‌ی او گذاشته شده است برآید، و همچنین نمی‌تواند جایگاه خود را در جامعه به خوبی تشخیص دهد. اریکسون در این زمینه حتی بر متغیرهای اجتماعی نیز تأکید دارد، با وجود این، وی آن‌ها را عمدتاً در پرتو تحلیل‌های روان‌شناختی بررسی می‌کند. وی می‌گوید در حالت بحران هویت انسان قادر نیست وظیفه‌ای را که ساختار اجتماعی^۱ بر اساس نیازهایش به افراد واگذار می‌کند، به انجام برساند (اریکسون، ۱۹۶۳: ۱۲-۱۱). اریکسون معتقد است در شرایط اجتماعی خاص، مانند جنگ یا ناپهنجاری‌های اجتماعی خاص، وضعیت‌هایی همچون آشفتنگی هویت یا بحران هویت، به ویژه برای افراد بالغ رخ می‌دهد (اریکسون، ۱۹۶۸: ۱۹-۱۶). اساساً اریکسون بحران هویت و آشفتنگی هویت را پدیده‌هایی می‌داند که وحدت و انسجام شخصیتی را از میان می‌برند. همچنین، به نظر وی، حافظه‌ی تاریخی در چنین وضعیتی، بر اثر عوامل فردی و اجتماعی، از میان می‌رود و فرد نمی‌تواند بر خود و فعالیت‌هایش کنترل داشته باشد (همان: ۲۰۷-۱۴۲).

به نظر اریکسون، یکی از عناصر مؤثر در تکوین هویت شخصی اعتماد بنیادین است. این اعتماد از تجربیات اولیه‌ی کودک سرچشمه می‌گیرد و در روابط عاطفی - شناختی و گرایش فرد به سوی دیگران یا دنیای عینی تکوین می‌یابد (گیدنز، ۱۳۷۸ الف: ۶۳). احساس امنیت و اعتماد، به اعتقاد اریکسون و همفکران وی، اساساً تحت تأثیر رفتارهای پرورشی مراقبان کودک، به‌ویژه والدین وی، و تأیید یا عدم تأیید خواسته‌ها یا نیازهای کودک تغییرپذیر است و هنگامی که از میان برود، فرد دچار اضطراب وجودی خواهد شد. بنابراین، اگر فرد پشتوانه‌های هویتی‌اش را از دست بدهد و در ارتباط خود با دیگران و امور و پدیده‌های پیرامونی‌اش دچار مشکل شود، از دیدگاه اریکسون و همفکران وی دچار بحران هویت شده است (همان: ۷۳-۶۸).

به طور کلی، هر چند اریکسون بیشتر بر ابعاد روان‌شناختی بحران هویت تأکید دارد و توجه کافی به عوامل اجتماعی آن، مانند تعارض ارزش‌ها در سطح کلان (جامعه)، ناپهنجاری اجتماعی، ضعف حافظه‌ی تاریخی، سیاست‌های هویت‌سازی نهادهای اجتماعی و ... ندارد، اما می‌توان وی را از بنیان‌گذاران نظریه‌ی بحران هویت در سطح خرد دانست. در نظر گرفتن عوامل اجتماعی بحران هویت در کنار عوامل روان‌شناختی آن، که وی آن‌ها را تعیین‌کننده‌تر می‌داند، رویکرد اریکسون را به رویکردهای جامعه‌شناختی، به ویژه روان‌شناسی اجتماعی، نزدیک‌تر ساخته است. پیگیری دیدگاه‌های اریکسون درباره‌ی بحران هویت در حوزه-

ی علوم اجتماعی، به ویژه جامعه‌شناسی، موجب مطرح شدن این پدیده به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی در علوم اجتماعی معاصر شد.

در این پژوهش، در کنار رویکرد اریکسون به پدیده‌ی هویت و بحران هویت، از رویکرد کارکردگرایی ساختی تالکوت پارسونز^۱ برای بررسی و تبیین هویت، بحران هویت و ارتباط آن‌ها با موضوع پدافند غیرعامل استفاده شده است. پارسونز با توسل به نظریه‌ی سیبرنتیک می‌گوید میان نظام‌های چندگانه‌ی یک جامعه مبادله‌ی انرژی و اطلاعات صورت می‌گیرد. به نظر وی نظام فرهنگی دارای بیش‌ترین میزان اطلاعات است و بر همین اساس وی نظام فرهنگی را مهم‌ترین نظام اجتماعی جامعه تلقی می‌کند که نقش اساسی در تحولات اجتماعی ایفا می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۹۰-۸۸؛ توسلی، ۱۳۷۱: ۲۵۶-۲۴۰). «مراتب سیبرنتیک در نظریه‌ی پارسونز در آن واحد اصل مهم یگانگی و دگرگونی است. پارسونز با الهام گرفتن از نظریه‌ی سیبرنتیک می‌گوید نظام کنش، مثل هر سیستم فعالی، چه جاندار چه بی‌جان، محل گردش بی‌وقفه‌ی انرژی و اطلاعات است. این مبادله‌های انرژی و اطلاعات میان اجزای نظام است که کنش نظام را برمی‌انگیزد. همه‌ی اجزای یک نظام از لحاظ ذخیره‌ی اطلاعات و انرژی برابر نیستند... به موجب یک اصل بنیادی سیبرنتیک، اجزایی که از لحاظ اطلاعات غنی‌ترند بر اجزایی که انرژی‌شان بیش‌تر است نظارت (کنترل) اعمال می‌کنند. نتیجه این می‌شود که در هر نظام کنش یک سری نظارت‌های پی در پی و تجمعی و با نظم سلسله مراتبی برقرار است. اجزای پارانرژی در پایین سلسله مراتب جا دارند و آن‌جا نقش عامل‌های وضعی کنش را ایفا می‌کنند؛ اجزای پراطلاعات‌تر در بالای سلسله مراتب جا دارند و نقش عامل‌های نظارت‌کننده‌ی کنش را ایفا می‌کنند» (روشه، ۱۳۷۶: ۸۹-۸۸). پارسونز در ترسیم روابط سیبرنتیک میان خرده نظام‌های جامعه، فرهنگ را دارای بیش‌ترین اطلاعات و کم‌ترین انرژی و اقتصاد را دارای کم‌ترین اطلاعات و بیش‌ترین انرژی می‌داند که بر اساس چنین دیدگاهی، فرهنگ عرضه‌کننده‌ی اطلاعات به خرده‌نظام‌های پایین‌تر بوده و اقتصاد نیز به خرده‌نظام‌های بالاتر از خود انرژی عرضه می‌کند.

اگر خرده‌نظام فرهنگی، همچنان که پارسونز می‌گوید، دارای اهمیت اساسی در حیات اجتماعی است، بنابراین اختلال در آن می‌تواند پدیدآورنده‌ی بحران‌های اجتماعی، از جمله بحران هویت، شود. پارسونز درباره‌ی ابعاد آسیب‌شناختی خرده‌نظام فرهنگی چندان سخن نمی‌گوید، اما اگر ارزش‌های اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عناصر خرده‌نظام فرهنگی در نظر گرفته شوند، می‌توان در بحث از تعارض ارزش‌ها، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخص‌های بحران هویت، از چهارچوب نظری پارسونز، به‌ویژه دیدگاه وی درباره‌ی رابطه‌ی سیبرنتیک میان خرده‌نظام فرهنگی و خرده‌نظام‌های اجتماعی دیگر، استفاده کرد.

پارسونز «از نخستین جامعه‌شناسانی بود که در اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ اهمیت خرده‌فرهنگ جوانان را در

1. Talcott Parsons

عین حال هم به عنوان پدیده‌ی اجتماعی و هم به عنوان مرحله‌ای از جامعه‌پذیری خاطر نشان کرده است. این خرده‌فرهنگ، در عین حال هم به شکافی که نوجوان را از خانواده‌اش جدا می‌کند و هم به تنش‌هایی که توقعات محیط مدرسه بر او تحمیل می‌کند، توجه دارد. فرهنگ نوجوانی که در گروه‌های دوستان و در سبک زندگی اجتماعی و زیستن تاحدودی در حاشیه‌ی جامعه متبلور می‌شود، فاصله‌ی نوجوان را از زندگی خانوادگی بیشتر کرده و حتی گاهی گسیختگی با محیط خانوادگی و ورود به دنیای خارج از خانواده با خشونت همراه است. در همان حال، خرده‌فرهنگ جوانان برای نوجوانی که باید فشار روحی جامعه‌پذیری مدرسه را تحمل کند، پناهگاهی برای تشریف خاطر عرضه می‌کند» (روشه؛ ۱۳۷۶: ۱۸۶-۱۷۷). پارسونز در آسیب‌شناسی شخصیت نیز از تحلیل کلان خود درباره‌ی رابطه‌ی میان خرده‌سیستم‌های اجتماعی بهره می‌گیرد. وی نشانه‌های آسیب‌شناختی را نتیجه‌ی به هم خوردن تعادل میان داده‌ها و ستانده‌ها می‌داند. به نظر پارسونز، مازاد یا نقصان داده‌ها موجب آسیب‌های شخصیتی خواهند شد. مثلاً وی پارانویا را نتیجه‌ی مازاد داده‌های اطلاعاتی می‌داند که سیل‌آسا شخصیت را زیر امواج خود می‌گیرند و شخصیت باید آن‌ها را با مکانیسم‌های دفاعی کانالیزه و تخلیه کند. برعکس، اسکیزوفرنی نتیجه‌ی نقصان ارتباط با جهان خارج و کمبود اطلاعات دریافتی است و شخصیت آن را با راه‌های خودشیفتگی جبران می‌کند. پارسونز به جای غرایز جنسی، که مورد تأکید فروید بود، ارزش‌های فرهنگی درونی شده و هنجارهای اجتماعی را عوامل بنیادی تکوین شخصیت می‌داند. وی برای اجتناب از تحویل‌گرایی زیست‌شناختی نظریه‌ی غرایز، می‌کوشد تصویر جامعه‌شناسانه‌ای از شخصیت ارائه دهد (همان: ۱۹۱-۱۸۸).

پارسونز این داعیه را مطرح می‌کند که در نهایت ارزش‌ها هستند که جهت و معنای کنش را تعیین می‌کنند. «منتقدان آثار پارسونز او را متهم می‌کنند که در تبیین کنش فردی و جمعی، به عوامل نظارت، یعنی به ارزش‌های فرهنگی، موقعیتی مسلط داده و سهم عوامل وضعی، یعنی جسمانی، روانی و اجتماعی را نادیده گرفته است». همچنین گفته شده است پارسونز جامعه را یک هستی‌مبثنی بر وفاق جمعی (ارزش‌های مشترک) می‌داند که در آن نظم و ثبات و همسازی مسلط‌اند. پارسونز، ضمن تأکید بر اهمیت نظم اجتماعی، آن را نه یک آرزو و یا آرمان، بلکه یک مسأله تلقی می‌کند (روشه، ۱۳۷۶: ۲۵۰-۲۴۸). با وجود این، وی توجه چندانی به تحولات فرهنگی، منشاء ارزش‌ها و آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی نداشته است. وی برخی از تناقض‌هایی را که در نظریات جامعه‌شناختی‌اش از آن‌ها نام می‌برد، چندان مورد بحث قرار نمی‌دهد. از جمله‌ی این تناقض‌ها، تناقض‌هایی است که در مطرح کردن متغیرهای ساختاری [الگوی] درباره‌ی آن‌ها سخن می‌گوید؛ مانند خاص‌گرایی در برابر عام‌گرایی، عاطفی بودن در برابر خنثی بودن از لحاظ عاطفی، جهت‌گیری شخصی در برابر جهت‌گیری جمعی، کیفیت ذاتی در برابر جنبه‌ی عملی و ویژه بودن در برابر پراکنده بودن (توسلی، ۱۳۷۱: ۲۴۵-۲۴۲).

پارسونز این گونه تصور می‌کند که در هر جامعه‌ای یکی از متغیرهای ساختاری بر کنش‌های اجتماعی غلبه دارد. در حالی که هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در آن مطلقاً چنین پدیده‌ای وجود داشته باشد. به ویژه در جوامعی چون جوامع در حال توسعه یا توسعه‌نیافته، همواره کشمکش میان متغیرهای ساختاری وجود دارد. این پدیده محصول ورود چنین جوامعی به جریان مدرنیزاسیون و رویارویی با ارزش‌های مدرن است. در چنین روندی است که تعارض ارزش‌ها و بحران هویت رخ می‌دهد. با در نظر گرفتن چنین مسائلی می‌توان رویکرد نظری پارسونز در تحلیل تحولات اجتماعی را با افزودن ابعاد آسیب‌شناختی تحولات اجتماعی اصطلاح کرد؛ به ویژه، اگر قضیه‌ی تعارض ارزش‌ها، چه در سطح خرد (گروه‌ها، خرده‌فرهنگ‌ها و ...) و چه در سطح کلان (خرده‌سیستم‌های اجتماعی)، به رویکرد جامعه‌شناختی پارسونز افزوده شود، می‌توان در تبیین جامعه‌شناختی بحران هویت از آن استفاده کرد.

یکی از فرض‌های اساسی پارسونز این است که در سلسله روابط خرده‌نظام‌های یک جامعه (شامل نظام فرهنگی، نظام اجتماعی، نظام شخصیتی و نظام ارگانسمی)، نظام فرهنگی دارای بیش‌ترین اطلاعات است، به همین دلیل دارای قدرت نظارت بر خرده‌نظام‌های دیگر جامعه است. هرچند پارسونز در بحث از آسیب‌شناسی شخصیتی مسأله‌ی عدم تعادل میان داده‌ها و ستانده‌ها را مطرح می‌کند، اما این قضیه را در سطحی خرد، به ویژه در بحث از جامعه‌پذیری افراد (مخصوصاً نوجوانان و جوانان) مطرح کرده و چندان به مسأله‌ی آسیب‌های هویتی در سطح کلان جامعه توجه نکرده است. به منظور کارآمد ساختن رویکرد پارسونز جهت تحلیل و تبیین آسیب‌های هویتی در سطح کلان جامعه، بعد آسیب‌شناختی رویکرد وی در زمینه‌ی شخصیت از سطح خرد جامعه به سطح کلان جامعه تعمیم داده شده است. به بیان دیگر، در این پژوهش با افزودن بعدی آسیب‌شناختی به رویکرد پارسونز، به ویژه ارتقای بعد آسیب‌شناسی هویتی رویکرد وی از سطح خرد به سطح کلان، یک رویکرد ابداعی پدید آمده است که بر اساس آن می‌توان آسیب‌های هویتی (بحران هویت) در سطح کلان جامعه را نیز مورد تبیین قرار داد. با تکیه بر این رویکرد ابداعی این فرض اساسی در انجام این تحقیق مد نظر بوده است که عدم تعادل میان داده‌ها و ستانده‌ها - برخلاف دیدگاه پارسونز - صرفاً به سطوح خرد جامعه محدود نمی‌شود، بلکه می‌تواند در سطوح کلان جامعه نیز وجود داشته باشد. مهم‌تر از آن، حتی ممکن است به جای عدم تعادل میان داده‌ها و ستانده‌ها، تعارض‌های بنیادی میان آن‌ها (در سطوح خرد یا کلان) وجود داشته باشد. به عبارت دیگر، فرض اساسی این تحقیق این بوده است که اگر میان داده‌ها و ستانده‌ها در درون خرده‌نظام‌های جامعه یا در میان آن‌ها، عدم تعادل، و حتی تعارض، وجود داشته باشد، در چنین شرایطی در جامعه بحران هویت پدیدار خواهد شد.

۵. هویت، بحران هویت و پدافند غیرعامل

پیشگیری و رعایت تمهیدات پیشگیری، آماده‌سازی و مصون نمودن عوامل انسانی و انسان‌ساز در مقابل هر نوع بحرانی، نشان‌دهنده‌ی تدبیر است. این موضوع در طول تاریخ از ذهن مدبران دور نمانده و همیشه فاتحان و قهرمان افسانه‌ای از اقدامات تدافعی قبل از وقوع حادثه بهره جسته‌اند. به طور خاص، در شرایط کنونی زندگی که تعداد وقوع بحران‌ها به شدت افزایش یافته و روز به روز در حال تغییر و تنوع است، توجه به موضوع پدافند غیرعامل امری بس هوشمندانه و ضروری است. اصولاً پدافند به معنای «حفظ جان مردم، تضمین امنیت افراد، صیانت از تمامیت ارضی و حاکمیت ملی در تمامی مواقع در برابر هرگونه شرایط، موقعیت و هرگونه تجاوز می‌باشد» (احمرلوئی، ۱۳۸۹: ۱۳) که به دو شاخه تقسیم می‌شود: ۱. پدافند عامل که بیشتر در وقوع بحران به کار گرفته می‌شود. در تعریف پدافند عامل گفته شده است که: «دفاع در مقابل دشمن با به‌کارگیری سلاح‌ها، تجهیزات جنگی و تکنیک‌های رزمی به منظور از کار انداختن ماشین جنگی دشمن و نابودی آن» (نیازی‌تبار، ۱۳۷۸: ۱۵)؛ از سوی دیگر، پدافند غیرعامل بیشتر بر مدیریت پیش از بحران تأکید دارد و عبارت است از هر اقدامی غیرمسلحانه‌ای که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها، تأسیسات، تجهیزات، اسناد و شریازهای کشور در مقابل بحران‌هایی با عامل طبیعی و عامل انسانی گردد. بیشتر نظریه‌پردازان داخلی، پدافند غیرعامل را با تأکید بر بعد دفاع پیشگیرانه در برابر حملات دشمن (عامل انسانی) تعبیر کرده‌اند (موحدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۳).

۶. نتیجه‌گیری

پیشگیری در هر امر و مسأله‌ای یک ضرورت است و همه‌ی جوامع در قبال مسائل مختلف برنامه‌ریزی‌های مختلف انجام داده و همچنین در قبال این مسائل پیشگیری‌های لازم را به عمل می‌آورند. مسأله‌ی هویت، که از مهم‌ترین مسائل هر جامعه‌ای است، و در صورت تضعیف، باعث بحران‌های متعدد می‌گردد، باعث شده است کشورهای مختلف در قبال آن برنامه‌ریزی‌های متعددی انجام دهند تا از این بحران‌ها در امان بمانند. چون کشور ما یک کشور جوان است ضرورت دارد برنامه‌ریزی‌ها و مطالعات متعددی در مورد چگونگی هویت‌یابی نسل نوجوان و جوان جامعه انجام شود تا زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر هویت‌یابی درست و نادرست شناسایی شوند. هنگامی که چنین اقداماتی انجام شوند، می‌توان نقاط ضعف و قوت را شناسایی کرده و با تقویت نقاط قوت و رویارویی با نقاط ضعف و کاستی‌ها، بسترهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر شکل‌گیری هویت مستحکم را فراهم آورد؛ هویتی که در برابر عوامل آسیب‌زای فرهنگی به سهولت در معرض تغییر و تبدل قرار نمی‌گیرد و می‌تواند مسیر خود را در هزارتوی فرهنگ‌ها و هویت‌های متکثر و متعارض دنیای کنونی پیدا کند. مسلماً اگر ما زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی رویارویی با آسیب‌های هویتی و فرهنگی را

فراهم کنیم، می‌توانیم به تولید و گسترش این‌گونه هویت‌های مستحکم امیدوار باشیم، در غیر این صورت باید انواع بحران‌های هویتی و فرهنگی را انتظار داشته باشیم.

منابع

- احمرلوئی، محمد حسین؛ ۱۳۸۹، پدافند غیرعامل در جنگ‌های نوین، تهران، دانشکده‌ی فارابی.
- اسمیت، فیلیپ؛ ۱۳۸۳، درآمدی بر نظریه‌ی فرهنگی، ترجمه‌ی حسن پویان، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، با همکاری مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها.
- بابایی فرد، اسداله؛ ۱۳۹۲، بحران هویت در جامعه‌ی معاصر ایران؛ رویکردی تاریخی، تجربی، تهران، انتشارات چاپخش.
- بابایی فرد، اسداله؛ باقر ساروخانی؛ ۱۳۹۱، اینترنت، جهانی شدن و هویت فرهنگی جوانان در ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها، تهران، انتشارات دیدار.
- توسلی، غلامعباس؛ ۱۳۷۱، نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها («سمت»).
- جنکینز، ریچارد؛ ۱۳۸۱، هویت اجتماعی، ترجمه‌ی تورج یاراحمدی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه.
- دهخدا، علی‌اکبر؛ ۱۳۵۱، لغت‌نامه‌ی دهخدا، جلد چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- رجایی، فرهنگ؛ ۱۳۸۲، مشکله‌ی هویت ایرانیان امروز؛ ابیای نقش در عصر یک تمدن و چند فرهنگ، تهران، نشر نی.
- رستمی، محمود؛ ۱۳۸۷، فرهنگ واژه‌های نظامی، تهران، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران.
- روشه، گی؛ ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی - انتشاراتی تیان.
- شارع‌پور، محمود؛ ۱۳۸۷، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها («سمت»).
- شیخ‌زاده، رجبعلی؛ مهدی محمدی؛ مهدیه دهباشی؛ سیدرفیع حسینی؛ ۱۳۹۱، جنگ نرم و جایگاه پدافند در آمایش استان مرزی سیستان و بلوچستان، اولین همایش ملی توسعه‌ی سواحل مکران و اقتصاد دریایی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار.
- قاسمی، فرزانه؛ ۱۳۸۳، مراتب و مؤلفه‌های هویت، در: مبانی نظری هویت و بحران هویت، مجموعه مقالات جمع‌آوری شده به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده‌ی علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- کاستلز، مانوئل؛ ۱۳۸۰، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ؛ جلد دو: قدرت هویت، ترجمه‌ی حسن چاووشیان، تهران، انتشارات طرح نو.
- کامران، حسن؛ طاهر پریزادی؛ حسن حسینی امینی؛ ۱۳۹۰، سازماندهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیرعامل، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره ۵.
- کیانژاد، سید قاسم؛ امامعلی فیروزپور؛ ۱۳۹۱، بررسی و تبیین نقش پدافند غیرعامل در ارتقای امنیت فضاها‌ی شهری کشور، مجموعه مقالات همایش مدیریت شهری.

هویت، بحران هویت و پدافند غیرعامل فرهنگی □ ۱۹۳

- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۸ ب، سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه‌ی اجتماعی، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی؛ ۱۳۷۸ الف، تجدد و تشخص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- مدیری، مهدی؛ ۱۳۹۲، شاخص‌های امنیت‌ساز پدافند غیرعامل در آزمایش سرزمین، فصلنامه‌ی راهبردی دفاعی، سال یازدهم، شماره‌ی ۴۱.
- موحدی نیا، جعفر؛ ۱۳۸۵، مفاهیم نظری و عملی دفاع غیرعامل، تهران، مرکز برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی.
- موحدی نیا، جعفر؛ ۱۳۸۶، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تهران، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- نباتی، عزت‌الله؛ ۱۳۸۶، پدافند غیرعامل، تهران، مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
- نیازی تبار، حسن؛ ۱۳۸۷، پدافند غیرعامل و تسلیحات کشتار جمعی، تهران، دانشگاه عالی دفاع.
- هال، استوارت؛ ۱۳۸۳، هویت‌های قدیم و جدید، قومیت‌های قدیم و جدید، ترجمه‌ی شهریار وقفی پور، فصلنامه‌ی فلسفی، ادبی، فرهنگی ارغنون، شماره‌ی ۲۴.

منابع انگلیسی

- Carrasco, Rodolpho; 1994, *A Generation's Faith: 21st Century Identity Crisis*, From Sojourners Online, Vol. 23, No. 9.
- Erikson, Erik (Editor); 1963, *Youth: Change and Challenge*, United States of America, Basic Books Publishing Co. Inc.
- Erikson, Erik; 1968, *Identity: Youth and Crisis*, New York, W.W. Norton & Company Inc.
- Negus, Keith; 2007, *Rethinking Creative Production away from the Cultural Industries*, in: *Media and Cultural Theory*, Edited by; James Curran and David Morley, London and New York, Routledge.
- Scott, John (Editor); 2006, *Sociology: The Key Concepts*, London and New York, Routledge.
- Wu, Shelley; 2001, *Erik Erikson and Identity Crisis, Erik Erikson, Identity Crisis and Seven Areas to Work Through*. Htm.